

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیسیت: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،
جامعه المصطفی العالمیه، قم.
۶. دکتر محمد اسماعیل حلیمی، دکترای جزا و جرم شناسی، جامعه
المصطفی العالمیه، قم

فهرست مطالب

۷	جایگاه اهل بیت در آیه «مودّت»
۲۵	گونه شناسی رویکرد فقه حکومتی در استنباط احکام
۴۳	تحلیل عنصر مادی و معنوی قذف الکترونیکی
۵۹	نگاهی به روابط تجاری ایران و افغانستان در سه حکومت گذشته ایران
۸۵	تمرین تمرکز مجدد جهت درمان وسواس در آموزه‌های اسلامی
۱۰۳	دین و انسجام اجتماعی
۱۲۱	تحلیل کتاب‌های دروس اجتماعی دوره ابتدای افغانستان از حیث همزیستی مسالمت آمیز مذاهب و اقوام در پرتو تربیت دینی
۱۳۹	وجود ذهنی و رابطه آن با علم در فلسفه اسلامی با تاکید بر دیدگاه شهید مطهری و علامه مصباح یزدی
۱۶۷	حکم توبه مرتکب کبیره از دیدگاه مذاهب کلامی شیعه
۱۸۹	حکم وضعی اهل کتاب از منظر شیخ طوسی و محقق خوئی



سال چهارم، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۱۵

حکم توبه مرتکب کبیره از دیدگاه مذاهب کلامی شیعه

محمد زمان عارفی^۱؛ سید محمد علی موسوی^۲

چکیده: با توجه به متن روایات و نصوص شرعی از دیرزمان در سخنان عالمان اخلاق، فقه و کلام اسلامی چنین به اثبات رسیده که مباحث نظیری تبیین حکم توبه مرتکب کبیره و شرایط توبه او، از منظر مذاهب کلامی شیعه، همچنین تبیین نقطه اشتراک و افتراق در رابطه با ایمان و کفر مرتکب کبیره و حکم توبه مرتکب کبیره، از دیدگاه مذاهب کلامی شیعه بسیار حائز اهمیت بوده، بدهی است سکوت دانشمندان اعتقادی و کلامی شیعه به سبب ابهامات که در انطباق برخی مسائل اعتقادی وجود دارد، منجر به چالش‌هایی در عصر جدید شده و نیاز این موضوع را به بررسی و تحقیق، مبرهن می‌سازد، روش تحقیق پیش رو توصیفی - تحلیلی بوده و به منظور گسترش مرزهای دانش، صورت خواهد گرفت، با توجه به عدم امکان تحقیق می‌دانی، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، در رابطه با موضوع خاص می‌باشد. و ما در تحقیق حاضر در پی اثبات حکم مرتکب کبیره و حکم توبه او می‌باشیم.

واژگان کلیدی: حکم توبه، مرتکب کبیره، اشتراک مذاهب کلامی، افتراق

مذاهب کلامی، مذاهب کلامی شیعه،

۱ فارغ التحصیل ارشد فقه و حقوق قضایی جامعه المصطفی العالمیه.

mhmzdzmanarfy6@gmail.com

۲. ارشد فقه و حقوق قضایی، مجتمع عالی فقه تخصصی، جامعه المصطفی العالمیه،

aim498706@gmail.com

۱. مقدمه

توبه در آیات و روایات از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار می‌باشد؛ زیرا نجات و رهایی انسان‌ها از امواج خطرناک، و سهمگین گناهان و لغزش‌ها در گرو آن است. ده‌ها آیه از قرآن به این مساله اشاره داشته و مفسران در ذیل این آیات به توضیح و تبیین توبه، و شرایط آن پرداخته‌اند. در جوامع حدیثی بابی به مبحث توبه اختصاص یافته و محدثان به تشریح آن همت گماشته‌اند، چرا که توضیح و تبیین احادیث پیامبر و ائمه را وظیفه خویش می‌دانسته و از این رهگذر، گاه به نکته‌های سودمندی دست یافته‌اند، که برای جامعه بشری و هدایت آن‌ها و در مسیر توبه قراردادن گناهکاران بسیار مفید بوده است. توبه یکی از ابواب بهشت است نبودن آن مساوی با هلاکت عموم اهل معصیت می‌باشد. توبه تنها راه نجات، گناهکاران، وسیله تقرب، و دوستی با خداوند، تبدیل‌کننده سیئات به حسنات، و مایه امید ناامیدان، و نخستین مقام عارفان، و اولین منزل سالکان کوی دوست است. علاوه بر جایگاه رفیع توبه در قرآن و روایات، در تمامی علوم اسلامی شیعی از جمله کلام، فقه، اخلاق و عرفان، میتوان برای توبه جایگاهی خاص پیدا کرد. در هر نظام حکومتی اولین قانونی که شکل می‌یابد قانون کیفری آن نظام است، چون قانون کیفری بازوی حکومت است، ثبات و استقرار آن به قوانین کیفری بستگی دارد. هر چند که توبه از نهادهای حقوق کیفری اسلام است، که جهت اصلاح مجرم در نظر گرفته شده است، و در بسیاری موارد موجب سقوط مجازات می‌گردد.

از آن جایی که موضوع مورد تحقیق از نظر اعتقادی، و کلامی، بسیار مهم است، لذا مسائل عدیده اعتقادی، و کلامی بین متکلمان اسلامی بخصوص شیعه مطرح است: از باب مثال در قدم نخست حکم توبه مرتکب از نظر متکلمان شیعه (امامیه، زیدیه، اسماعلیه) چیست؟ و ثانیاً راجع به جهت افتراق و اشتراک نظریات مذاهب متکلمین شیعه چیست؟ این‌ها مباحث چالش بر انگیز بوده، که تحلیل‌ها و دیدگاه‌های متفاوت کلامی، و اعتقادی، از دیدگاه شیعه در مورد آن قابل طرح می‌باشد.

بنا بر این در نوشتار حاضر پاسخ‌های مورد نیاز داده شده، و همچنین در صدد

نوآوریهای بودیم که از جهت موضوع، استخراج اقوال مذاهب کلامی، طرح استدلال‌هایی انجام شده تا حدودی موفق بودیم
لذا تحقیق صورت گرفته آن طوری که مشاهده می‌شود توسط فرد دیگری انجام نشده.

۲. مبانی نظری

۱-۲. حکم

۱-۱-۲. در لغت

از نظر علماء لغت حکم به معنی داوری گفته شده که در واقع از معنی منع آمده اس (فیومی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۴۵)
واژه عربی حکم مصدر و اسم مصدر از ریشه «ح ک م» است به معنی قضاوت نمودن، باز داشتن، فرمان دادن، دانش و حکمت می‌باشد و در جای دیگر حکم به معنی حکومت، امر، فرمودن، احتکام، تحکم، امر کردن، فرمان دادن، حکم کردن، حکم راندن، دستور، (عمید، حسن، ص ۲۲۵) و همچنین در جای دیگر از کتب لغت به معنی امر، فرمایش، داوری، منشور، فرمان، قضاوت آمده (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲)

۲-۱-۲. در اصطلاح

۱-۲-۱-۲. در اصطلاح قرآن کریم

در قرآن کریم حکم به معنی قضاوت به عدل است «إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء/آیه ۵۸) یعنی زمان که بین مردم قضاوت نمودید به عدالت قضاوت نمایید و دیگر به معنایی علم و فقه نیز به کار رفته است؛ مانند قول خداوند متعال که می‌فرماید: «وَآتَيْنَاكَ الْحُكْمَ صَبِيًّا» (مریم/آیه ۱۲) همچنین به معنای قضاوت به حق نیز به کار رفته است «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص/۲۶) یعنی ای داود ما تو را به عنوان خلیفه و نماینده خود در روی زمین قرار دادیم پس بین مردم به حق حکم و قضاوت کن.

بنابراین از تأمل در این معانی در می‌یابیم معنای بنیادین حکم که به نوعی در

همه معانی یاد شده جریان دارد و به معنی منع و جلوگیری است و همچنان استواری می‌باشد چنانچه در آیات فروان خداوند، از مؤمنان خواسته که استقامت داشته باشید و در تعارضات میان خود و یا اختلافات خود با سایر ادیان بر پایه حکم الهی که در کتاب‌های آسمانی سائرادیان هم آمده استوار باشید و منازعات را مطابق با قرآن حل و فصل نمایید همان طور که از این آیه مبارکه استفاده می‌شود: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء/ ۶۵-۶۶) یعنی: ای مؤمنین اگر درباره‌ی چیزی نزاع نمودید به سوی خداوند و رسول اوارجاع دهید.

پس این آیات ذهن انسان را از شک و تردید باز می‌دارد و به حالت ثابت و استواری می‌رساند (ذاکری، علی اکبر، بیتا، ۶(۲۳)۲۳) و گاهی عدل را معنای دیگر برای حکم گرفته است چون عدل به معنایی قرار دادن هر شیئی در موضع مناسب آن و مانع شدن از میل به باطل است، به معنای دیگر اعطای حق هر صاحب حق به اوست، در هر دو معنای خود مشتمل بر معنای منع از تعدی و افراط است، چنانچه اصل هر حکمی، منع نمودن و بازداشتن به قصد اصلاح است، تا انسان مکلف از حدود مقرر الهی تجاوز نکند و همچنان از این آیه نیز عدل استفاده می‌شود «وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف/ آیه ۲۶) و مفسران در این آیه حکم را به معنای عدل و قضا گرفته‌اند و در همه این موارد با وجود تفاوت ظاهری، معنای مشترک وجود دارد و آن علم و آگاهی و منع از تردید است، چنان که برخی از صاحب نظران در جمع بندی خود از این آیات و دیدگاه‌های مفسران گفته‌اند: «اصل در ماده حکم بر اساس آن چه از موارد استعمال آن بر می‌آید، منع است و حکم مولوی را از این جهت حکم گفته‌اند که فرمان منع از آزادی در اراده و عمل است و انسان را از این که بر اساس خواسته نفس خود عمل نماید باز می‌دارد، و در موارد خصومت در حکم نمودن بین طرفین دعوی از ادامه خصومت باز داشته می‌شود» (اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۱).

۲-۲-۱-۲. در اصطلاح فقها

فقها حکم را به صور گوناگون تعریف نموده است اغلب آن‌ها نظیر یکدیگر است و اگر هم اختلاف دارند به صورت جزئی می‌باشد، از فحوای کلام اکثر آن‌ها چنین بر می

آید: حکم عبارت است از خطابات خداوند در مورد افعال و کردار مکلفین (فاطمی احمدآبادی، احمد، مقاله، سال نشر ۱۴۰۰ تاریخ نشر ۱-۲-۱۴۰۰) و بعض فقها حکم را بر نتیجه حاصل شده از خطاب شارع اطلاق نموده‌اند، چنانکه بعض گفته‌اند (تهاونی، محمد علی، کشف اصطلاحات، ج ۱، ص ۳۷۲) حکم به ضم حاء و سکون کاف یعنی: اسناد چیزی به دیگری ایجاباً یا سلباً، این معنی را می‌توان گفت عرفی است، چون در هر قضیه‌ای چهار رکن و جزء وجود دارد محکوم علیه، محکوم به، نسبت حکمیه و وقوع نسبت حکمیه و یا لاوقوع آن و این جزء چهارم همان حکم است. و در نزد علماء متأخر، به آن تصدیق نیز گفته می‌شود و همین حکم بر دو قسم است اول: شرعی دوم: غیر شرعی حکم شرعی آن است که از شرع گرفته شده و نسبت به فهم مکلف مخالف با قطعیات نباشد، خواه فهم آن مشروط به خطاب شارع باشد مثل وجوب نماز، روزه و یا فهم آن متوقف بر شارع نباشد، بلکه عقلی باشد یعنی: عقل آن را ثابت کند مثل وجود صانع امور و حکم غیر شرعی که عقل یا عرف او را درک می‌کند، چنانچه می‌فرماید: «الحکم خطاب الشرع المتعلق بافعال المكلفین بالاقتضاء اوالتخیر اوالوضع» (شهید اول، عبدالله، الفوائد والقواعد، قاعده ۸، ص ۷ چاپ ۱۳۰۸) یعنی: مراد از حکم خطابات شرع است که بافعال مکلفین تعلق می‌گیرد به صورت اقتضاء (طلب) مثل: وجوب، حرمت، کراهت، استحباب، یا بصورت تخیر مثل: اباحه یا بصورت وضع مثل: صحت و بطلان. لذا از این عبارت فهمیده می‌شود که مراد از حکم خطابات شارع نسبت به مکلفین می‌باشد.

۲-۱-۲-۳. در اصطلاح حقوق

از منظر حقوق دانان حکم رأیی است که در خصوص ماهیت دعوی صادر شده و قطع کننده دعوی می‌باشد، یعنی: به محض صدور رأی رسیدگی به پرونده در آن مرحله خاتمه پیدا نموده، قاضی از دادرسی فراغت پیدا می‌کند. ویژگی‌های حکم از منظر حقوقی قرار شرح زیر است:

الف) حکم در امور ترافعی از قاضی صادر می‌شود، نه در امور غیر از ترافعی و یا امور حسبی.

ب) حکم قطع می‌کند دعوا را چون با صدور حکم تکلیف پرونده در شعبه رسیدگی کننده مشخص شده و از رسیدگی مجدد بنیاز می‌شود و برای شخص قاضی فراغت دادرسی حاصل می‌شود، مگر در مورد شخص ورشکسته که حکم آن در جایش بیان شده.

ج) با صدور حکم وظیفه‌ای طرفین دعوی کاملاً مشخص می‌شود که حق با کدام یکی از هر دو طرف است.

د) با صدور حکم در برابر همگان قابل استناد می‌باشد، یعنی شخص سوم نیز باید نتیجه بدست آمده را به رسمیت بشناسد.

و در فارسی امروز نیز مراد از حکم نظر شفاهی و یا مکتوب دادگاه و نامه‌ای که جایگاه شغلی و اداری و اقتصادی کارمندان دولت را بیان می‌کند بکار می‌رود، علی‌ای حال از کلمات همه‌ی دانشمندان فقهی حقوقی و آیات قرآن کریم، یک نقطه‌ی مشترک بدست می‌آید و آن منع از تجاوز از حدود است خواه حدود خداوند و خواه حدود بنده گان باشد. اما در تحقیق حاضر موضوع بحث ما حکم از حیث ایمان و کفر می‌باشد (ضیایی، علی اکبر، مقاله حقوقی، سال و تاریخ نشر ۱-۱۴۰۲)

۲-۲. توبه

۲-۱-۲. توبه در لغت

دسته‌ای از لغت شناسان توبه را به معنی مطلق رجوع (هر نوع بازگشتی) می‌دانند و بعضی به صورت خاص بازگشت از گناه و ندامت و پشیمانی می‌دانند، این حالت زمانی رخ می‌دهد که انسان از گناه پشیمان شود و دیگر قصد انجام آن را نداشته باشد (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۶۰)

این واژه از ریشه‌ی «ت و ب» گرفته شده که در زبان‌های گوناگون اسلامی به معنای بازگشتن به کار رفته است. در منابع لغت عربی نیز برخی همین معنا را معنای اصلی این ریشه دانسته‌اند.

برخی از لغویان توبه را به معنای بازگشت از گناه گرفته‌اند، باید نوعی کاربرد عام در معنی خاص تلقی گردد (عسکری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۹۴) به هر حال همواره این

دقت نظر در میان عالمان شیعه وجود داشته که معنای اصلی توبه در عربی همان بازگشتن است،

۲-۲-۲. توبه در اصطلاح

۲-۲-۲-۱. در اصطلاح آیات

الف: هر چند معنای اصطلاحی توبه چندان از معنای لغوی آن دور نیست اما باز هم بررسی اصطلاحی آن دارای فوائد می باشد، لذا از حیث کاربردی قرآن کریم، ثلاثی مجرد «تَابَ يَتُوبُ» در قرآن کریم، با حرف جرّ «علی» اشاره به توبه پذیرفتن و فاعل آن خداوند است، مثلاً: «فَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره / آیه ۳۷) یعنی: پس آدم از پروردگارش کلماتی رادریافت کرد و با آن کلمات به درگاه پروردگار توبه نمود آن گاه خدا بر او لطف و توجه نمود و توبه اش را پذیرفت زیرا او بسیار توبه پذیر و مهربان است در این آیه توبه به معنی بازگشت است اگر به خداوند نسبت داده شود به معنی بازگشت لطف و کرامت او به بنده خطاکارش است و باللفظ الی اشاره به بنده است، لذا به معنای بازگشت انسان خطاکار به سوی خداوند می باشد. (قرآنی، ۱۳۸۴ درس، ۳۸۳)

دیگر از آیات که در آن توبه به معنی بازگشت از گناه آمده است می توان آیه « وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا » (فرقان / آیه ۷۱) را نام برد که در این آیه «الی» حرف جر و مجرور الله است لفظ يتوب به معنی توبه و بازگشت می باشد

۲-۲-۲-۲. در اصطلاح روایات

در سنت پیامبر اکرم و امامان معصوم (علیهم السلام) احادیث فروان در رابطه با توبه موجود است لذا چندتا حدیث مرتبط، به بحث راجع به معنای توبه از منظر اصطلاح روایت که به چه معنا است، به عنوان نمونه ذکر می شود:

یکی از احادیث، که گواهی بر مطلب ما است حدیث امام جواد (ع) است:

«التوبه علی اربع دعائم: ندم بالقلب، واستغفار باللسان، وعمل بالجوارح، وعزم

ان لایعود» (دیلمی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۰) یعنی: حضرت می فرماید توبه چهار رکن دارد پشیمانی قلبی، استغفار با زبان، بازگشت در عمل، تصمیم قاطع و جدی که دیگر به گناه برنگردد.

روایت دیگر در این زمینه همان فرموده حضرت امیر المؤمنین به کمیل بن زیاد است که کمیل عرضه می دارد «یا امیر المؤمنین العبدُ یُصیبُ الذَّنْبَ فِیَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْهُ فَمَا حُدَّ الْاِسْتِغْفَارُ؟» یعنی: یا علی انسان گناهی می کند و آزان استغفار می نماید. آیا برای استغفار حد و مرزی هست؟ امام در جواب فرمود «یا بَنَ زِیَاد، اَلتَّوْبَةُ» یعنی: ای کمیل حد و مرز استغفار توبه است، کمیل عرضه داشت «قُلْتُ بَسَّ» «قَالَ لَا» یعنی امام در جواب فرمود کافی نیست تا رسید اینجا که کمیل عرضه داشت یا علی «فَاَصْلُ الْاِسْتِغْفَارِ مَا هُوَ؟» یعنی اصل استغفار چیست؟ حضرت در جواب فرمود: «الرُّجُوعُ اِلِی التَّوْبَةِ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِی اِسْتِغْفَرْتَ مِنْهُ وَهِيَ اَوَّلُ دَرَجَةِ الْعَابِدِیْنَ» (شریف الرضی، ۱۳۹۳، ص ۵۹۴) یعنی رجوع و بازگشت به سوی توبه نمودن از گناهی که از آن استغفار نموده ای و این اولین رتبه عبادت کننده گان است. در کلمات قصار حضرت امیر المؤمنین نیز توبه به معنای بازگشت است

۲-۲-۳. در اصطلاح فقها

توبه در متون فقهی به معنای بازگشتی از هر عمل مذموم و مجرمانه به سمت خداوند و سعی در انجام عمل نیک و عدم تکرار گناهان گذشته می باشد. بنا بر این از نظر اصطلاح فقهی در تعریف توبه سه عنصر خوابیده است: ندامت و پشیمانی، اعتذار از خداوند، و عدم برگشت بر گناهان گذشته توبه از گناه، به اصلاح عملکرد گذشته خویش نزدی مردم می باشد. و توبه از گناه قسم دوم اگر گفتار کفرآمیز باشد، به اظهار اسلام یعنی شهادت به یکتای خداوند و نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و ابراز برائت از هر آیین مخالف اسلام می باشد و اگر گناه کذب باشد توبه حکمی آن به این است که خود را تکذیب کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۷۲-۱۷۸)

عالمی از علماء معاصر می فرماید: توبه یعنی: پشیمانی از گناه و مسیر که تا حالا

رفته، مثلاً)) آنچه را فاسد نموده، در صورت امکان مطابق با دستور شرع اصلاح نماید؛ مثلاً اگر نماز یا روزه را ترک کرده، باید قضای آن‌ها را به‌جا آورد یا اگر بدهکار است و توانایی پرداخت بدهکاریش را دارد و طلبکار مطالبه می‌کند، باید بدهکاریش را بپردازد (سیستانی ۱۳۹۱، ج ۲، مسئله ۳۹۳)

۳. حکم توبه

۱-۳. دیدگاه امامیه

از دیدگاه علماء کلام امامیه، توبه به معنای پشیمانی از گناه است و به اجماع و به دلایل سمعی و عقلی از موارد بخشیده شدن گناهان و اسقاط عقاب به شمار می‌آید، دلایل سمعی توبه آیات و روایات و قول متکلمین شیعه است:

۱-۱-۳. آیات

از جمله آیاتی که در این زمینه وجود دارند آیه مبارکه «و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور/آیه ۳۱) است یعنی: ای مؤمنان کل شما به سوی خدا برگردید و توبه نمایید تا اینکه رستگار شوید (قرآنی، ۱۳۸۳) در این آیه «توبوا» به صورت امر آمده و خداوند دستور به توبه داده و این توبه را عمومی و شمول آن را نسبت به کل مؤمنین می‌داند چون واژه‌ی جمیعاً آورده است و در بعضی دیگر از آیات واژه‌ی جمیعاً را در ابطنه با گناه استفاده کرده چنانچه خداوند می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/آیه ۵۳) یعنی: ای بندگان من که بر خودتان ظلم کرده‌اید از رحمت خدا ناامید نشوید همانا خداوند همه‌ی گناهان را مورد عفو و بخشیش قرار می‌دهد زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است در این آیه مراد قرآن از اینکه می‌فرماید خداوند کل گناهان را می‌بخشد آن نیست که انسان گناه کند و بگوید خدا می‌آمرزد بلکه مراد این است که همه گناهان هر چه قدر هم بزرگ باشد خداوند می‌بخشد و طبیعتاً راه جبران گناه و دریافت آمرزش توبه است که در این آیه آمده (وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ) (زمر/آیه ۵۴) یعنی: توبه کنید به سوی پروردگارتان و تسلیم او شوید پیش از آن که عذاب به

سراغ شما آید و دیگر یاری نشوید. (قرآنی، ۱۳۸۳) دیگر از آیات دال بر بخشش گناهان توسط توبه به این آیه مبارکه می باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (تحریم/آیه ۸) یعنی: ای آن چنان کسانی که ایمان آورده اید توبه کنید به سوی خداوند آنها توبه ای خالص امید که پرودگار شما اینکه ببخشد گناهان شمارا و داخل کند شمارا به بهشت که از زیر آن نهرها جاری است روزی خداوند خوار نمی کند نبی و آن چنان کسانی را که با او ایمان آوردند در حالی که نورشان پیشاپیش آن ها و از سمت راست شان در حرکت است، و آن ها می گویند پرودگارا نور ما هارا کامل کن و ببخش ما را بدورستی تو بر همه چیز قدرت داری (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۲۴، ص ۲۸۹)

دیگر از آیات که می توان از آن عفو و بخشیش توسط توبه را استفاده کرد این آیه شریفه است «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء/آیه ۱۱۰) یعنی: کسی بدی کند به غیر و یا ظلم به خودش بکند بعد استغفار و توبه کند می یابد خداوند را توبه پذیر و آمرزنده و مهربان، مانند بشیر و برادران او که اگر توبه می کرد و از خدا آمرزش می خواست، خداوند از سری تقصیرات آن ها می گذشت، به نظر شخص حقیر تغایر مفهومی است و الا هر کاری بدی ظلم به نفس است و اینکه عنوان را متعدد نموده می خواسته روی ردع بیشتر تأکید بکند.

بارز ترین معنای که در این زمینه از آیات بدست می آید، آن است که بدون توبه، گناهان کبیره قابل بخشیش نیست؛ اما گناهان صغیره نیاز به توبه ندارد چون گناهان صغیره در صورت عدم اصرار بر آن خودش بخشیده می شود چنانچه خداوند می فرماید «اگر از گناهان کبیره اجتناب کردید بدی های شمارا از بین می بریم» پس در گناهان صغیره انسان نیاز به توبه ندارد (سایت پرسش و پاسخ، معارف اسلامی، به نقل از دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۷ ص ۴۹۶-۴۹۷)

۳-۱-۲. روایات

از حضرت امیر المؤمنین (ع) روایت شده که می‌فرماید: در عجب هستم از کسی که از رحمت خدا ناامید است در حالی که بهترین نابودکننده گناهان را در اختیار خویش دارد. از حضرت سؤال شد: محوکننده گناهان کدام است؟ حضرت فرمود توبه و استغفار بعد فرمود خودتان را با توبه و استغفار خوشبو کنید، تابوهای بدی گناهان‌تان را از بین برده، شمارا رسوا نسازد (مجلسی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷)

از امام صادق (علیه السلام) روایت است در روز قیامت در هنگام و موقف سنجش عمل موقع که انسان گناهکار در مقام عذرخواهی از خداوند بگوید پروردگارا من نادان و بی‌خبر بودم اسیر هوای نفس و شهوت بودم و در هنگام رویاروی با شیطان عاجز بودم، در پاسخ همه‌ی عذرهایش گفته می‌شود مگر باب توبه را بر تو نگشودم؟ آیا ساخت گیری صورت گرفته بود؟ آیا شرائط ناممکن بود، لذا این تهدید نمودن خداوند و پی در پی سؤال کردن خداوند دلیل بر این است که توبه بهترین وسیله بر عفو و بخشیش گناهان و اسقاط عذاب می‌باشد.

از حضرت امام کاظم (علیه السلام) روایت شده است محبوب‌ترین بندگان در نزد خداوند افرادی هستند وقت در فتنه‌ها، در دام گناه می‌افتند بسیار استغفار و توبه می‌کنند. (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۳۲) این خودش دلیل بر این است که تنهاراه درمان گناه توبه است.

۳-۲. دیدگاه زیدیه

بنابه نظر زیدیان، تنها ازادله سمعی استفاده می‌شود که توبه سبب عفو و بخشیش گناهان می‌شود و می‌دانیم خداوند توبه بندگان را می‌پذیرد. در آیات متعددی، خداوند، خود را توبه‌پذیر و بخشنده معرفی و بندگان را دعوت به توبه نموده و به ایشان خبر داده است که توبه را می‌پذیرد.

از نظر فرقه زیدیه وجوب توبه در حدی است، که آن‌ها معتقدند اگر مرتکب گناهان کبیره بدون توبه از دنیا برود در آتش جاوید می‌ماند. و در خصوص این مورد به ظاهر برخی آیات استدلال می‌کنند (سلطانی، ۱۳۹۸، ص ۲۰) همانند این آیه قرآن کریم: «إِنَّ

اللَّهُ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره آیه ۲۲۲) یعنی: خداوند توبه کنندگان و پاک کنندگان را دوست می‌دارد.

بناء بر این چنین موضوعی از جنجالی‌ترین مباحث اعتقادی در طول تاریخ بین مسلمانان بوده، در این خصوص زیدیه به گمان خود راه میانه را پیموده اند و به جایگاه بین دو جایگاه «المنزلة بین المنزلتین» معتقدند. با این توضیح که آنان معتقدند که مرتکبان گناهان بزرگ «کبیره» تا زمانی که از گناه خود توبه نکنند نه در جایگاه کافران و مشرکان قرار دارند و نه در جایگاه مؤمنان قرار می‌گیرند بلکه جایگاهی میان این دو خواهند داشت که در واقع همان جایگاه فاسقان را دارد لذا آن طوری که از کلمات بزرگان و علماء زیدیه بدست می‌آید تنها راه نجات از فسق توبه است (رسی، بیتا، ج ۱، ص ۱۳۱)

۳-۳. دیدگاه اسماعیلیه

نظر به تحقیق صورت گرفته نسبت به آراء و انظار فرقه اسماعیلیه و نظر دانشمندان، آن‌ها چنین نتیجه حاصل گردید، که ایشان نظر خاصی در مورد حکم توبه ندارد، چنانچه قبلاً تذکر دادم کل سفید بختی و سیاه بختی را دایره مدار ولایت کرده و مسلمان که ولایت دارد ولو گناه کبیره هم مرتکب بشود در جهنم نمی‌رود، اگر هم برود جاوید نمی‌ماند و مسلمان بدون ولایت در جهنم می‌رود و در آتش همیشه و جاوید خواهد بود، آن‌ها چیزی به نام وعد و وعید ندارند، در عوض ابزاری به عنوان ولایت و عدم ولایت مداری در قانون عقیده‌ی کلامی خودش دارند در مقایسه با فرقه اثنی عشری می‌توان چنین ابراز داشت به اعتقاد اثنی عشری، اگر انسان توبه کند از گناه کبیره، جاویدانه در آتش نمی‌ماند به عقیده آن‌ها اگر ولایت مدار باشد، در آتش جاویدانه نمی‌ماند.

پس معیار چیزی به عنوان توبه ندارد بلکه معیار چیزی به عنوان موالیان ائمه دارند، چنانچه یک عده‌ای آن‌ها یک اصطلاحی در عقاید خودش دارند که توبه‌ی فرقه باطنیه قبول نمی‌شود دانشمندان تحلیل نمودن، که اصلاً چیزی به نام توبه ندارد (بغدادی، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۰) لذا آن‌ها عقیده دارند انسان بدون ولایت یعنی

مخالف ائمه (ع) در زمره‌ی کافران می‌باشد بحث توبه و عدم توبه را اصلاً مطرح نکرده و عمل این مقبول درگاه الهی افراد نیست شفاعت و عفو، نیز شامل حال آنان نخواهد شد، هر چند به اندازه کوه‌ها عمل خوب انجام داده باشند؛ وانسان ولایت مدار معتقدند گناهکاران شان مورد شفاعت و عفو قرار خواهند گرفت؛ چون محبت و معرفت به وصی پیامبر (ص) حسنه‌ای است که هیچ گناهی بدان ضرر نمی‌رساند از این رو آنان داخل آتش نمی‌شوند و جاودان در جهنم نیستند.

۴. شرایط توبه

۴-۱. دیدگاه متکلمان امامیه

یکی از عمده مباحث مطرح شده‌ی در اینجا شرایط توبه می‌باشد که برای خروج از حالت گناه، افراد باید مراحلی را طی کنند تا اینکه توبه‌ی حقیقی تحقق پیدا کند یعنی در حقیقت توبه‌اش دارای شرایط وارکانی باشد. این امور را می‌توان طی سه مرحله بیان کرد:

الف- ندامت و پشیمانی که لازم است چنین حالتی در فردی ایجاد شود تا اینکه دست از گناه بکشد.

ب- تصمیم و عزم قاطع برای همیشه

ج- جبران و اصلاح مافات با عمل صالح

اصلاح مافات یعنی: تا حد امکان آثار سوء گناهان گذشته را از درون خود برچیند لذا مشاهده می‌کنیم در قرآن مجید در آیات فراوان توبه با اصلاح و جبران همراه بوده است «يُحِبُّ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل/آیه ۱۱۹) یعنی: پروردگارتونسبت به آن‌ها که از روی جهالت بدی کرده‌اند و سپس توبه نموده و در مقام جبران برآمده‌اند پروردگار تو آمرزنده و مهربان است. اصلاح نسبت به گناهان متفاوت است و به صورت مطلق هر نوع اصلاح را شامل می‌شود:

الف- شخص توبه کار باید حقوق کسی و یا اشخاص را که ضایع نموده به آن‌ها بازگرداند در حال حیات به خود آن‌ها و در حال ممات به وراثت آن‌ها

ب- اگر حیثیت کسی رابخاطر غیبت و یا تهمت لکه دار نموده از احوالات بخوهد در صورت حیات و اگر از دنیا رفته به تلافی حیثیت بر باد رفته کار خیر برای او انجام دهد تا اینکه روح او راضی شود.

ج- اگر عبادت‌های از اوفوت شده قضانا نماید و اگر کفاره به گردن دارد آن را اداء نماید.

د- اگر عمل وی بدعت گذاری در دین است همانند تبلیغات سوء خواه از طریق بیان سخن یا از طریق کتابت و نوشته، اصلاح و جبران آن در صورت است، کل اشخاصی راکه به انحراف کشانده به قدر توان و قدرت باز گرداند.

ه- اگر کسی از طریق مطبوعات و وسایل ارتباطی جمعی و نوشتن کتب و مقالات مردم را منحریف کند باید از همان طریق اقدام به رفع انحراف نماید.

و- اگر در حضور جمعی کسی را متهم به دروغ گویی و بی عفتی می نماید باید در حضور جمع سخنان خود را پس بگیرد و استغفار فقط کافی نیست (ابن فارس، ۱۴۰۴. ق، ص ۱۹۰) برخی دست کشیدن از معصیت در زمان حال، پشیمانی شخص از معصیت که در گذشته مرتکب شده و عزم بر باز نگشتن به مثل آن گناه در آینده را از شرایط توبه می داند، همچنین گفته اند که توبه عبارت است از پشیمانی از معصیت به جهت معصیت بودن آن یا به جهت قبح آن و استغفار با قلب و زبان و عزم بر ترک بازگشت به عملی مانند آن در آینده و سعی بر جبران آن (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۷) چنانچه ابو صباح کنانی از امام صادق (علیه السلام) روایت نموده راجع به قول خدای تعالی در سوره تحریم آیه ۸ پرسیدم فرمودند: مقصود از توبه نصح آن است، که بنده از گناه توبه کند و تصمیم قاطع بگیرد که دیگر به آن گناه باز نگردد در نتیجه حصول پشیمانی از ارکان و شروط اساسی و لوازم توبه به شمار آمده (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۱۶۸)

۴-۱-۱. دیدگاه متکلمان زیدیه

چنانچه قرقه زیدیه اعتقاد دارد اگر توبه را با شرایطشان انجام ندهد شخص مرتکب اهل دوزخ خواهد بود و به طور کلی بر پشیمانی از معصیت از آن جهت که معصیت

است، تأکید شده است، به گونه‌ای که اگر گناهکار از گناه خود پشیمان شود اما نه برای قبح و معصیت بودن آن، بلکه از باب ترس از ضرر جانی یا مالی یا ریختن آبرو، این از توبه‌ی مورد نظر متکلمان محسوب نمی‌شود. حتی برخی گفته‌اند اگر ترس از آتش دوزخ یا ترس از دست دادن بهشت سبب پشیمانی فرد باشد، توبه‌اش صحیح نیست. (صابری، ۱۳۹۵، جلد ۲، ص ۸۴) پس در نتیجه توبه یعنی پشیمانی واقعی از گناهان گذشته وعزم بر ترک گناهان آینده

دیدگاه متکلمان اسماعیلیه

قبلاً یاد آور شدیم که فرقه اسماعیلیه راجع به توبه و شروط آن کدام نظری ندارد آنچه که هست راجع به موالیان ائمه است یعنی: انسان ولایت مدار را جاوید در جهنم نمی‌داند (بغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۷۰)

۶- جهات اشتراک و افتراق مذاهب کلامی راجع به کفر و ایمان مرتکب

۱. ۶ - جهات اشتراک

الف) تمام فرق شیعی قائل به تفکیک بین گناهان صیغره و کبیره و مقرّ به وجود کبائر هستند.

ب) فرق مذکور از شیعیان (امامیه، زیدیه و اسماعیلیه)، در صدور حکم نسبت به مرتکب کبیره قائل به تفصیل بین اهل معرفت (شیعه) با غیر شیعه می‌باشند.
ت) اعتقاد آن‌ها بر این است که مرتکب کبیره به صرف ارتکاب عمل گناه مخلوع از ایمان نخواهد شد.

فقط اسماعیلیه نظرش این است که در صورت که از ولایت دور نشود ولو گناه هم بکند مؤمن گفته می‌شود ولی به هر حال در انبیه که با ارتکاب کافر نمی‌شود با بقیه فرقه شیعه مشترک است (بغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۰)

لذا اندیشمندان شیعه؛ با توجه به روایات مختلف و گاه به ظاهر متفاوت که در این زمینه وجود دارد، به این نتیجه رسیده‌اند که نه؛ مانند فرقه‌های دیگر باید به چنین گناهکاران، سند رهایی از دوزخ و زندگی در بهشت را داد و نه همانند خوارج، با ارتکاب اولین گناه، آنان را شایسته زندگی دائمی در دوزخ دانست و نه مانند معتزله، آنان را خارج از هر دو محدوده ایمان و کفر پنداشت، بلکه لازم است مؤمنان مرتکب

کبیره را مؤمنانی فاسق، در نظر گرفت که باید تلاش نمایند تا عدالت از دست رفته خود را بازیابند که در این صورت، می‌توانند به بهشت راه یابند وگرنه با ارتکاب هر گناهی از درجات ایمان آنان کاسته خواهد شد.

۲-۴. جهات افتراق

در جهت افتراق ما می‌توانیم به دو وجه اشاره نماییم و آن عبارتند از:

الف) اینکه آیا مرتکب کبیره مؤمن است و یا خیر زیدیه بطور صریح قائل به منزله‌ائی بین این دو امر («کفر و ایمان») می‌باشند. اما امامیه و اسماعیلیه را اعتقاد بر این نیست بدلیل اینکه عمل را خارج از ماهیت ایمان می‌دانند نتیجتاً مرتکب را مخلوع از ایمان نمی‌دانند و مرتکب کبائر را مؤمن فاسق برمی‌شمارند

ب) نسبت به مرتکب که پس از انجام عمل گناه توبه ننموده و بدون توبه از دنیا رفته است. در اینکه آیا مخلّد در آتش است و یا خیر؟ و آیا از شفاعت بهر مند می‌شود و یا خیر؟ باز میان مذاهب امامیه و اسماعیلیه با زیدیه تفاوتی آشکار بنظر می‌رسد چرا که زیدیه قائل بر آنند که اگر مرتکب کبیره بدون توبه از دنیا رود همچون کفار و مشرکان در عذاب الهی جاودان خواهند ماند و از شفاعت هم محروم می‌گردند. اما امامیه بر خلاف زیدیه نه تنها مرتکب کبیره‌ای که بدون توبه از دنیا رفته است را مخلّد جاودان در آتش نمی‌دانند، بلکه برای او امکان نجات از عذاب را در نظر می‌گیرند، (سایت، آیین رحمت، پاسخ به شبهات کلامی، تاریخ نشر، ۱۳۴۰)

بلکه شفاعت را نیز برای آن‌ها ممکن دانسته تا عفو ربوبی و یا تخفیف در عذاب شامل حال آن‌ها شود.

اما اسماعیلیه چنانچه قبلاً بررسی گردید در اینکه انسان مرتکب کبیره مؤمن است و یا فاسق درگرو ولایت مداری می‌داند اگر ولایت داشت مؤمن است ولو گناه کبیره مرتکب شده باشد، اگر ولایت نداشت کافر است ولو گناه انجام نداده باشد اما راجع به شفاعت با اثنی عشریه هم نظر است (بغدادی، پیشین، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱)

۳-۴. جهات اشتراک و افتراق در حکم توبه مرتکب کبیره

۱-۳-۴. جهات اشتراک

چنانچه بر محققین مخفی نیست که بین مذاهب کلامی شیعه در باره توبه مرتکب کبیره مشترکاتی وجود دارند:

الف: در تعریف اصطلاحی توبه همگی قائل بر آنند که توبه صرفاً ندامت شخص مرتکب است که قبلاً بیان شد

ب: تمام فرق مذکور متفق القول هستند، در صورت که مرتکب کبیره قبل از مرگ موفق به توبه شود تمام آثار و عواقب آن عمل از پرونده او پاک خواهد شد. استمرار در توبه و عدم بازگشت به فعل قبیح در قبولی توبه مرتکب شرط نیست.

۲-۳-۴. جهات افتراق

مذاهب امامیه بر خلاف زیدیه قائل هستند، بر اینکه مرتکب هر چند بدون توبه از دنیا روند خلود در آتش پیدا نمی کنند و بهر مند از شفاعت پیامبر (ص) شده و از عذاب جهنم رهانیده خواهند شد و به نظر اسماعیلیه شخص گناهکار اگر ولایت داشته باشد نیز با شفاعت نجات پیدا می کند

بنا به نظر زیدیان، تنها از ادله سمعی است که وجوب توبه را بر مرتکب کبائر به دست می آوریم و می دانیم خداوند توبه بندگان را می پذیرد. در آیات متعددی، خداوند، خود را توبه پذیر و بخشنده معرفی و بندگان را دعوت به توبه نموده و به ایشان خبر داده است که توبه را می پذیرد.

از نظر فرقه زیدیه وجوب توبه در حدی است، که آن‌ها معتقدند اگر مرتکب گناهان کبیره بدون توبه از دنیا برود در آتش جاوید می ماند.

در حالی که فرقه امامیه (اثنی عشریه) قائل است وجوب توبه هم از نظر صراحت قرآنی و هم از نظر صراحت روایی و هم از نظر عقل، از این گذشته میان کل علماء مسلم قطعاً است. و دلایل چهارگانه (قرآن، روایات، عقل، اجماع علماء مسلمین، بروجوب توبه دلالت دارد. و این وجوب هم فوری است ولی اینکه مؤمن مرتکب کبیره حتماً عذاب می شود و آنهم مخلد می ماند چنین چیزی را قبول ندارد، چون

عذاب در آیات عذاب ممکن است وعید به عذاب کافران باشد. دیگر اینکه ممکن است مراد آیه اعلام چنین مطلب باشد که مابرای آنان عذاب مهیا کردیم، اگر بخواهیم با عدالت رفتار نماییم و نخواهیم از آن‌ها بگذریم آن وقت این سؤال مطرح خواهد شد، پس نزول آیه عذاب برای چیست: جواب این است خداوند خواسته مؤمنین را آگاه کند که خود را از مکر خداوند ایمن ندانید.

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

علماء کلامی شیعه، چنین ابراز نمود اگر معتقد باشیم هر شخص مؤمن مرتکب گناه کبیره در دوزخ باقی می ماند باید شخص که تا آخر عمر خویش به عبادت مشغول بوده و در آخرین لحظه مرتکب یک گناه کبیره شده در حال که ایمان آن سری جایش باقی بوده، حتی یک لحظه هم از ایمانش دست برنداشته، باشخص که عمری خودش را در شرک و بت پرستی سپری نموده مساوی بدانیم، چون در چنین فرضی هردو تا کنار هم دیگر در دوزخ باقی خواهد ماند چنین چیزی از نظر عقلی محال است، هیچ عاقلی نمی پسندد لذا با ارتکاب گناه کبیره کسی کافر نمی شود، و تمسک می کنند به آیات فروان که نشانگر رحمت و غفران الهی است، که در بعضی آن‌ها تصریح شده که گناهان بندگان غیر مؤمن نیز بخشیده می شود، اگر شامل این گونه افراد نشود پس چه افرادی می خواهد استفاده کنند اماراجع به حکم توبه شخص مرتکب از دیدگاه فرقه های شیعه با توجه به آیات و روایات و دیدگاه های علماء چنین به نتیجه رسیدیم که قرار شرح زیر است:

الف - تمام فرق مذکور متفق القول هستند، در صورت که مرتکب کبیره قبل از مرگ موفق به توبه شود تمام آثار و عواقب آن عمل از پرونده او پاک خواهد شد.
ب) استمرار در توبه و عدم بازگشت به فعل قبیح در قبولی توبه مرتکب شرط نیست

ت) مذاهب کلامی امامیه، قائل هستند، بر اینکه با توبه عقاب برداشته می شود، با ادله سمعی و عقلی ثابت کردند و لو شخص مرتکب بدون توبه از دنیا بروند خلود در آتش پیدا نمی کنند و بهر مند از شفاعت پیامبر (ص) شده و از عذاب جهنم رهانیده

خواهند شد، به نظر اسماعیلیه شخص گناهکار اگر ولایت داشته باشد نیز با شفاعت نجات پیدا می‌کند، راجع به توبه اصلاً نظری ندارد و فرقه زیدیه قایل بر این است عقاب توسط توبه برداشته می‌شود.

۶. فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه: جواهری، محمدرضا، ۱۳۹۳، آشنایی موجز و مختصر با بیانات و نوشته‌های امیرالمؤمنین علی (ع) ناشر: مکییل، محل نشر: تهران، الف) عربی

۱. ابن فارس، احمد بن فارس؛ و هارون، عبد السلام محمد. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة (ج ۱-۶). قم - ایران: مکتب الإعلام الإسلامی. مرکز النشر.

۲. اصفهانی، راغب، حسین بن محمد، ۱۴۰۴، ق، المفردات فی غریب القرآن، ناشر: دفتر نشر کتاب، محل نشر: ایران- تهران

۳. اصفهانی، محمد حسین، ۱۳۸۱، وسیلة النجات، ناشر: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی (ره) محل نشر: قم،

۴. اصفهانی، محمد باقر، ۱۳۸۵، هدایة المسترشدين، ناشر: عطر عترت، - قم - ایران،

۵. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، ۱۴۰۸ ق یا ۱۹۸۷ م، الفرق بین الفرق و بیان فرقة الناجية منهم، بیروت - لبنان، دارالجلل

۶. رسی، قاسم بن ابرهیم، بیتا، کتاب العدل والتوحید و نفی التشبه عن الله، بی جا، بینا.

۷. سود، محمد باسل عیون؛ و عسکری، حسن بن عبد الله. (۱۳۸۴-۱۴۲۶). الفروق اللغویة (ج ۱-۱). بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیة.

۸. طبرسی، فضل ابن حسن، ۱۳۸۴، تفسیر مجمع البیان، ناشر: ناصر خسرو، محل چاپ تهران،

۹. طبری، محمد بن حریر، ۱۴۲۶ ق، جامع البیان فی تأویل القرآن، ناشر: مجمع

- جهانی تقریب مذاهب اسلامی، محل نشر: تهران
۱۰. طوسی، محمد بن حسن؛ بهبودی، محمدباقر؛ و کشفی، محمدتقی. (۱۳۸۷).
المبسوط في فقه الإمامية (ج ۱-۸). تهران - ایران: مكتبة المرتضوية.
۱۱. فیومی، احمد بن محمد؛ و محمد، یوسف شیخ. (۱۴۲۸-۲۰۰۷). المصباح
المنیر (ج ۱-۱). بیروت - لبنان: المكتبة العصرية.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۳، اصول کافی، ناشر: مؤسسه فرهنگی
دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، محل چاپ ایران- قم.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۹۰، بحار الأنوار، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، محل
چاپ: ایران- تهران،
۱۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۹۰). عین الحیات (ج ۱-۱). مشهد
مقدس - ایران: آستان قدس رضوی. شرکت به نشر.

(ب) فارسی

۱۵. حسینی سیستانی، علی، ۱۳۹۱، توضیح المسائل، ناشر: قلم آذین رضا، قم.
۱۶. سلطانی، مصطفی، ۱۳۹۸، تاریخ و عقاید زیدیه، قم، نشر ادیان
۱۷. صابری، حسین، ۱۳۹۵، تاریخ فرق اسلامی، تهران، سمت
۱۸. قرائتی، محسن، ۱۳۹۱، تفسیر نور، درس‌هایی از قرآن، شماره، ۱۳۸۳، ناشر:
مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، محل نشر: تهران.
۱۹. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ فارسی، ناشر: زرین، محل چاپ: تهران،
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۲، تفسیر نمونه، ناشر: دارالکتب الاسلامیه- ایران-
تهران..

(ج) سایت‌ها و انجمن‌ها

۲۱. انجمن دانشگاه علوم پزشکی، بخش گناهان کبیره، تاریخ انتشار ۲۳-۳-۱۳۹۴
۲۲. سایت پاسخ به شبهات کلامی، به نقل از کتاب آزادی معنوی، مرتضی مطهری،
تاریخ نشر ۱-۱-۱۳۹۷.

۲۳. سایت، اعتقادات شیعه، تاریخ انتشار ۳-۴-۱۳۹۹.

۲۴. سایت، آیین رحمت، پاسخ به شبهات کلامی، تاریخ نشر، ۱۳۴۰۰ به نقل از علامه حلی، تجرید.

